

سبک پوشش اسلامی از دیدگاه شهید مطهری

زهرا پورروسنائی اردکانی*

محمدعلی محیطی اردکان**

چکیده

لباس، یکی از مظاهر پراهمیت تمدن بشر و یک عمل اجتماعی معنادار است. این مقاله با هدف بیان معیارهای اسلامی پوشش از دیدگاه شهید مطهری و با روش توصیفی - تحلیلی، به این نتیجه دست یافته است که لباس موهبتی الهی برای کرامت دادن به انسان است و اسلام با دستور به پوشش، بشر را به سوی تمدن سوق داده است. هرچند از منظر اسلام، شکل و قالب خاصی برای لباس تعیین نشده است، ولی معیارهایی برای آن وضع شده که با عنوان «سبک پوشش اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته است. این معیارها براساس فطرت انسان، به منظور غنا بخشیدن به تمدن بشری، حفظ نیرومندی و استقلال جامعه اسلامی و استحکام نظام خانوادگی وضع شده است. آراستگی، در نظر داشتن روحیه اجتماعی مانند ایثار و همدردی و همرنگی، حفظ عزت نفس، رعایت نظم و نظافت، و حفظ حرمت و کرامت انسانی از بایسته‌های پوشش اسلامی است. همچنین تقلید از بیگانگان و تشبیه به آنها، پوشیدن لباس شهرت، تشبیه به جنس مخالف، اسراف، و... در سبک پوشش اسلامی جایگاهی ندارند و مورد نهی واقع شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: شهید مطهری، سبک زندگی، پوشش، لباس، تمدن، اسلام.

مقدمه

براساس آن رفتار می‌کند. شهید مطهری منطق و معیار عملی را «سیره یا روش زندگی» نامیده و در بحث سیره نبوی، که به سبک رفتار و زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌پردازد، خود را مبتکر فن منطق تاریخ در برابر فلسفه تاریخ دانسته است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۵۸؛ مطهری، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۶). وی معتقد است: اکثر مردم برای رسیدن به هدف خود، سبک و روش انتخاب نمی‌کنند و هرج و مرج بر رفتارشان حکمفرماست، ولی عده‌ای صاحب منطق و سبک هستند و یک سلسله اصولی را معیار رفتار خود قرار می‌دهند (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۴۸-۴۹).

به اعتقاد شهید مطهری، از آنجا که اصول و معیارهای بخش‌های مختلف، متفاوت است، برای بحث در مورد سبک و سیره زندگی، باید جنبه‌های مختلف زندگی از یکدیگر تفکیک شود. تبلیغ، تعلیم، تحقیق، سیاست، رهبری، قضاوت، معاشرت، عبادت، انفاق، عفو، لباس، غذا، مسکن، رفتار با والدین، همسر، فرزند، دوست، دشمن و... از جمله بخش‌های زندگی هستند که هر یک معیارهای خاصی دارند (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۲۰، ۴۳ و ۴۸).

مفهوم سبک زندگی اسلامی

سبک‌های رفتاری، متفاوت است و هر گروهی از سبک مخصوصی پیروی می‌کند. سبک زندگی هرکس تابع تفسیر او از زندگی و هدفش از زندگی است. براساس جهان‌بینی‌ها و انسان‌شناسی‌های متفاوت، هدف از زندگی در نظر افراد متفاوت است؛ در غالب مکاتب مادی، هدف از زندگی، بهره‌مندی بیشتر از مواهب خلقت و آسایش بیشتر از ناحیه دیگران است. اساس فکر افرادی مثل نیچه این است که انسان باید نیرومند باشد و تمایلات و تقاضاهای نفسش را هرچه بیشتر برآورده کند؛ از این رو،

سبک پوشش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی، از جلوه‌های تمدن بشر و یک رفتار اجتماعی معنادار است. دین جامع اسلام که برای تمام شئون زندگی اجتماعی بشر برنامه دارد، در این مقوله نیز قوانین و معیارهایی وضع کرده و توصیه‌هایی ارائه داده است. بر این اساس، تبیین معیارهای اسلامی پوشش برای ارائه و پیاده‌سازی تمدن اسلامی ضروری است. پژوهش درباره سبک پوشش اسلامی، بیشتر پیرامون دستورات و توصیه‌های اسلام برای پوشش بانوان در مقابل نامحرم و فلسفه آن صورت گرفته و کمتر به معیارهای عام پوشش اسلامی توجه شده است. از آنجا که شهید مطهری به جنبه‌های اجتماعی اسلام توجه زیادی کرده و رویکرد ایشان تبیین منطق و فلسفه اجتماعی اسلام است، می‌توان سبک پوشش اسلامی را از آثار وی استخراج کرد. نیز به دلیل آنکه تاکنون مقاله‌ای با این موضوع و با محوریت آثار شهید مطهری نگاشته نشده، نویسنده در صدد است با سیر در آثار وی، سبک پوشش اسلامی و فلسفه اجتماعی آن را تبیین کند.

بنابراین، سؤال اصلی این است که شهید مطهری چه معیارهایی را برای پوشش اسلامی مطرح کرده است؟
سؤالات فرعی نیز عبارتند از: ۱. سبک زندگی اسلامی به چه معناست؟ ۲. منظور از سبک پوشش اسلامی چیست؟ ۳. معیارهای عام اسلام برای پوشش چیست؟

مفهوم سبک زندگی

شهید مطهری، منطق و معیارهای بشر را بر دو قسم می‌داند: معیارهای نظری (یا منطق‌های معمولی) و معیارهای عملی. منظور وی از منطق عملی، معیارها و اصولی است که بشر برای رسیدن به مقاصد خود،

است که اسلام در تعالیم خود شکل خاصی از طرح و دوخت لباس ارائه داده و پیروان خود را به پوشیدن آن شکل خاص موظف کرده است؟ زندگی اجتماعی امروز و از جمله پوشش بشر، تکامل یافته و با وضع ساده ۱۴۰۰ سال پیش قابل مقایسه نیست، لباس‌ها با انواع مدل‌ها، رنگ‌ها، نقش‌ها و تزئیناتی که انسان را در زیبایی مجذوب خود می‌کند، ارائه می‌شود. آیا مسلمان حق ندارد همگام با توسعه و پیشرفت تمدن، به روز باشد؟ آیا باید مانند ۱۴۰۰ سال پیش لباس بپوشد؟

پاسخ این است که اسلام در مورد پوشش، دست روی مدل، دوخت و تزئینات مشخصی نگذاشته و به شکل خاصی از پوشش اصالت نداده است که تغییرپذیر نباشد؛ به‌طور کلی، دستورات اسلام مربوط به شکل و صورت زندگی نیست، بلکه مربوط به روح و کلیات زندگی است. البته روشن است که شکل زندگی نیز با توجه به دستورات کلی اسلام تنظیم می‌شود. اما توسعه تمدن، شکل و صورت زندگی را تغییر می‌دهد نه روح زندگی را و چون دستورات اسلام براساس روح زندگی است، قابل انطباق با همه زمان‌هاست. اسلام در مورد پوشش، یک سلسله معیارهای کلی، مطابق با فطرت بشر و مقتضای سعادت او، وضع کرده و با در نظر گرفتن این معیارها طرح، دوخت و تزئینات لباس را به ذوق و سلیقه افراد و اقتضای هر زمان واگذار کرده است (مطهری، ۱۳۸۷هـ، ص ۴۱). بنابراین، منظور از سبک پوشش اسلامی، معیارهای کلی است که مسلمان باید در طرز و شیوه لباس پوشیدنش رعایت کند، و این مقاله رسالت تبیین آن معیارها را دارد.

لباس، موهبت الهی

لباس که نقش پوشش، حفاظت، و آراستن بدن را به عهده دارد، از جمله نعمت‌های خداوند متعال و از ضروریات

مهربانی و دلسوزی نسبت به دیگران، ضعف نفس و بی‌معناست (مطهری، ۱۳۸۸ب، ص ۲۲۲-۲۲۳). مکتب نیهیلیسم زندگی را پوچ و بی‌هدف می‌داند و به هیچ اصل و ارزشی اعتقاد ندارد. تمدن، انسانیت، اخلاق و همه چیز از دیدگاه این مکتب، پوچ است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۴۷). برخی مکاتب، مثل مکتب هندی، کمال انسان را خدمت به خلق و محبت به دیگران می‌دانند (مطهری، ۱۳۸۸ب، ص ۲۵۵). اما در مکتب اسلام هدف از زندگی، تقرب به خداوند متعال است و هر چیز دیگر مقدمه‌ای برای رسیدن به خدا محسوب می‌شود. توحید در نظر قرآن، تنها یک اعتقاد نیست، بلکه انسان باید به این مرحله برسد که جز رسیدن به خدا هدفی نداشته باشد (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۹، ص ۲۶). براساس برخی آیه‌های قرآن کریم، حتی مشرکان نیز این مطلب را مسلم می‌دانسته‌اند که هدف نهایی، نزدیک شدن به معبودشان است: ﴿... مَا تَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرَّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى﴾ (زمر: ۳). گویا چنین کسانی هر چند می‌دانستند باید نزد معبودشان مقرب باشند، ولی به خیال خودشان، راه را در بت پرستی می‌دیدند. از اینجا معلوم می‌شود که انسان، بالفطره میل به تقرب به معبود دارد، ولی ممکن است در مصداق‌یابی اشتباه کند.

بنابراین، بدیهی است فرد مسلمان برای رسیدن به هدفش که خداست، باید براساس معیارها و منطقی که وحی و اسلام آن را معتبر می‌داند، زندگی و رفتار کند؛ یعنی سبک زندگی‌اش اسلامی باشد. معقول نیست در زندگی سبک و معیار نداشته باشد یا از سبک زندگی مادی و ضد معنویت کسانی تقلید کند که هدفشان از زندگی با هدف فرد مسلمان کاملاً متفاوت است.

مفهوم سبک پوشش اسلامی

منظور از سبک پوشش اسلامی چیست؟ آیا منظور این

مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ
 قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ
 الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ... ﴿اعراف: ۳۱-۳۲﴾؛ ای فرزندان آدم! جامه خود را
 در هر نمازی برگزید، و بخورید و بیاشامید و [لی]
 زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی دارد.
 [ای پیامبر] بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید
 آورده، و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام
 گردانیده؟ بگو: این [نعمت ها] در زندگی دنیا برای کسانی
 است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان
 می باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «خدا زیباست و
 زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که اثر نعمت بر
 بنده اش ظاهر شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳۸).
 البته در عین اینکه اسلام با ریاضت و رهبانیت مخالفت
 کرده و به آرایش و زینت دستور داده است، معیارهایی نیز
 برای آن تعیین کرده است. در این بخش از مقاله به ذکر این
 معیارها می پردازیم:

۱. ممنوعیت تقلید از بیگانگان

انسان در زندگی اجتماعی ناچار از تقلید و استفاده از فکر
 و ابتکار دیگران است؛ زیرا لازمه استواری اجتماع،
 تفاوت استعدادها و نیازمندی به یکدیگر است و همه
 نمی توانند در همه امور متخصص و بی نیاز از تقلید باشند.
 قرآن کریم می فرماید: ﴿أَهُمْ يَفْسُقُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ
 قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ
 بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحِمْتَ رَبِّكَ
 خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (زخرف: ۳۲)؛ آیا آنانند که رحمت
 پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما [وسایل] معاش آنان را
 در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم، و برخی از آنان را
 از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده ایم تا

زندگی بشر است. قرآن کریم می فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ
 أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى
 ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (اعراف: ۲۶)؛
 ای فرزندان آدم! در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو
 فرستادیم که عورت های شما را پوشیده می دارد و [برای
 شما] زینتی است، و [لی] بهترین جامه، [لباس] تقواست.
 این از نشانه های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند.
 نیز می فرماید: ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ
 لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ
 وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تُسَلِّمُونَ﴾ (نحل: ۸۱)؛ و خدا از آنچه آفریده، به سود شما
 سایه هایی فراهم آورده و از کوه ها برای شما پناهگاه هایی
 قرار داده و برای شما تن پوش هایی مقرر کرده که شما را از
 گرما [و سرما] حفظ می کند، و تن پوش ها [= زره ها] یی که
 شما را در جنگتان حمایت می نماید. این گونه وی نعمتش
 را بر شما تمام می گرداند، امید که شما [به فرمانش] گردن می نهید.

فطرت زیبادوست بشر

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «لباس زیبایی را نمایان
 می سازد» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۹۲). از سوی دیگر،
 انسان فطرتاً به جمال و زیبایی گرایش دارد. بنابراین، یکی
 از جلوه های این گرایش، کوشش او برای زیبا ساختن
 ظاهر و لباسش خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۸ج، ص ۸۰).
 در بینش توحیدی، هیچ علاقه و غریزه ای در انسان
 عبث و بیهوده خلق نشده، بلکه میل ها و غرایز بشر
 ابزارهای زندگی و پیشرفت تمدن هستند (مطهری،
 ۱۳۸۷، ص ۱۷۱-۱۷۲). دین اسلام که مطابق با فطرت
 بشر است، با دستور به پوشش و زینت دادن خود به
 وسیله آن، بشر را به توسعه تمدن تشویق کرده است. قرآن
 کریم می فرماید: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ

شعائر اسلامی و تحریم استفاده از شعائر کفار و تقلید از آنها اندیشیده تا استقلال و قدرت جامعه اسلامی محفوظ بماند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿ذَلِكُمْ وَمَنْ يَعْتَمِدْ شُعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲)؛ این است فرایض خدا و هر کس شعائر خدا را بزر دارد در حقیقت، آن حاکی از پاکی دل‌هاست.

شهید مطهری معتقد است: برای حفظ نیرومندی و استقلال جامعه اسلامی، لازم است مسلمانان وابستگی خود را به اسلام اعلام کنند (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸). شعارها پوسته و ظرف برای حفظ اصول اسلامی، راهی برای زنده نگه داشتن روح دینی فرد و اجتماع و نقطه اتحاد و تمرکز عمومی هستند (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۴۴ و ۴۹). از نظر شهید مطهری، یک دسته از شعارهاست که خود اسلام آنها را به‌عنوان شعار و علامت اسلام قرار داده است؛ مثل شعار «بسم‌الله، سلام، اذان اعلامی و ...». دسته دیگر، شعارهایی است که سنت عملی و تاریخی مسلمانان آنها را شعار قرار داده است، گرچه در متن اسلام دستور خاصی برای آن نرسیده است؛ مثل تاریخ هجری، تعطیلی جمعه، تعظیم روز ولادت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام. یک دسته دیگر هم، شعارهایی است که از متن اسلام انتخاب می‌شود؛ مثل انتخاب آیه‌ای از قرآن به‌عنوان تابلو در منزل و ... (همان، ص ۴۳). لباس و قیافه افراد یک جامعه، چهره آشکار و لایه رویین تمدن هر جامعه است و مسلم است که اگر افراد جامعه اسلامی، لباس و آرایشی داشته باشند که یادآور مسلمانی آنهاست، در اقتدار جامعه اسلامی و حفظ استقلال آن بسیار مؤثر است. بنابراین، با اینکه اسلام سبک و الگوی خاصی را برای لباس تعیین نکرده و فقط معیارها و اصول کلی برای آن وضع کرده است، تعظیم سبک خاصی از پوشش را که در هر زمان براساس معیارهای اسلامی و شعار مسلمانان

بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند، و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است. اسلام بعضی از تقلیدها را ممنوع کرده است. یکی از تقلیدهای مذموم از نظر اسلام، تقلید مسلمانان، از ابتکارات و طرح‌های غیرمسلمانان در سبک لباس و حرف زدن و... است.

«پوشش» یک رفتار اجتماعی معنادار است. برای مثال، افرادی که در غرب، سبک هیپی را برای پوشش انتخاب می‌کنند و حاضر نیستند لباس نو بپوشند، هدفی جز طغیان و عصیان در برابر تمدن و فرهنگ ندارند؛ چراکه به پوچ‌گرایی و نیهیلیسم رسیده‌اند، و این ناشی از تمدن مادی و فاقد معنویت غرب است. حال آیا معقول است که مسلمانان از این سبک پوشش، کورکورانه تقلید کنند، بدون اینکه اعتقادی به این طرز فکر داشته باشند؟ (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۸-۱۷۹). نیز، آیا می‌توان به پوشش‌های بسیار متنوع و گاه خیره‌کننده غربی اعتماد کرد و از آنها الگوبرداری نمود، درحالی‌که پشتوانه فکری و اعتقادی مادی و الحادی را با خود به همراه دارند؟

از سوی دیگر، اسلام دستورات اجتماعی دارد و رسالتش اصلاح جهان است؛ بدون تشکیل جامعه قدرتمند و مستقل، محتوای اسلام قابل پیاده‌سازی نیست. بنابراین، یکی از اصول اسلامی، تشکیل جامعه اسلامی و حفظ عزت و استقلال آن است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقون: ۸)؛ عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است. نیز، اسلام هیچ‌گونه تسلط و اعتلای غیرمسلمان بر مسلمان را نمی‌پذیرد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (اسراء: ۱۴۱)؛ و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. بنا بر همین اصل، اسلام تدابیری مانند تعظیم

است، لازم می‌داند.

اسلامی تحمیل می‌شود و افراده ساده‌لوح از آن تقلید می‌کنند. هدف طراحان غربی از طراحی مدهای مهیج و تحریک‌کننده، تخدیر و بی‌حس کردن اجتماعات اسلامی، هدر دادن وقت و سرمایه‌شان و درآوردن آنها به صورت مصرف‌کننده اجباری کالاهاى خودشان است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۸۵). یکی از راه‌های مبارزه با این معضل، به‌کارگیری ذوق، ابتکار و خلاقیت در طراحی الگوهای با معیارهای اسلامی است. امید آنکه روزی با تدبیر مسئولان در جوامع اسلامی، این افق فکری جامه عمل بپوشد.

۳. پرهیز از تجمل‌پرستی

منظور از تجمل‌پرستی این است که زینت و تجملات، هدف، معبود و نهایت آرزوی انسان قرار بگیرد. در منطق اسلام، خدا کمال نامتناهی و کانون هستی است؛ جهان علاوه بر نشئه عظیم دنیا، دارای نشئه بسیار عظیم‌تر و وسیع‌تر آخرت است و دامنه زندگی انسان فراتر از زندگی این دنیاست. در دین اسلام، کمال مطلوب و منتهای آرزوی انسان باید خدا باشد. از این رو، رضایت، دل‌بستگی، قناعت به علایق دنیوی، سرگرم شدن به تنعم و تجمل و این امور را نهایت آرزو دانستن مورد انتقاد است (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). قرآن کریم می‌فرماید: ﴿... وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾ (رعد: ۲۶)؛ «و[لی آنان] به زندگی دنیا شاد شده‌اند، و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست. و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ﴾ (یونس: ۷)؛ کسانی که امید به دیدار ما ندارند، و به زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند، و کسانی که از آیات ما غافلند.

تقلید از بیگانگان موجب خودباختگی و مرعوبیت می‌شود و مرعوبیت و شخصیت‌باختگی موجب به هم خوردن مقیاس‌های قضاوت انسان، عدم استقلال فکری، ناتوانی در استفاده از نیروهای موجود و نابودی و فنای جامعه اسلامی می‌گردد و راه تسلط بیگانگان را بر مسلمانان باز می‌کند. بنابراین، با اینکه اسلام الگو و شکل خاصی برای لباس تعیین نکرده، تقلید از سبک و شکل لباسی را که شعار بیگانگان است، حتی اگر با سایر معیارهای اسلامی پوشش سازگار باشد، حرام دانسته است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۱-۲۳؛ ج ۱۰، ص ۱۴۷).

شهید مطهری معتقد است: با اینکه ایرانیان روحیه تسلیم در برابر حقیقت دارند و بی‌تعصب هستند، ولی به شعائرشان بی‌اعتنا هستند؛ اگر یک فرنگی روی حساب شعار خودش یک زنار ببندد، ایرانی بدون فکر و حساب دوتا زنار می‌بندد، درحالی‌که دانشمندان و سیاست‌مداران هندبالباس هندی همه جامی‌روندومی‌خواهندبالباسشان اعلام کنند که هندی هستند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴).

۲. پرهیز از مدگرایی

از منظر استاد مطهری در مورد انتخاب لباس، اگر ذوق طبیعی انسان که زیبایی‌پسندی است، تحریک شود و انسان زیباها و مظاهر زیبایی را انتخاب کند، مطلوب بوده و کمال به‌شمار می‌آید. در انتخاب لباس، تبعیت از ذوق طبیعی، حرکت در روشنایی است، ولی تبعیت از مُد و عرف و عادت اجتماعی، حرکت در تاریکی است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۶۱). تبعیت از ذوق اجتماع غیر از تبعیت از مُد است، ولی امروز‌گرایی و علاقه به پوشش‌هایی که ضدارزش‌ها و معیارهای اسلامی است، با تبلیغات زیاد و ترفندهای مختلف، به صورت مُد، به جوامع

۴. آزادی و آزادگی

از منظر شهید مطهری تجملات و قیودی که انسان برای خود می‌سازد به شکل حلال و مباحش هم مانع آزادی و آزادگی انسان می‌شود؛ زیرا آزادی و آزادگی چیزی بیشتر از دل‌بستگی نداشتن می‌خواهد. وی می‌گوید:

رشته‌هایی که آدمی را وابسته و ذلیل و ضعیف و عاجز و زبون می‌سازد، تنها از ناحیه قلب و تعلقات قلبی نیست؛ خوگیری‌های جسمی و روحی به شرایط اضافی و مصنوعی که ابتدا برای زیباتر کردن و رونق بخشیدن به زندگی و یا برای کسب قدرت و قوت بیشتر به وجود می‌آید و بعد به شکل یک اعتیاد (طبیعت ثابته) می‌گردد، هرچند مورد علاقه قلبی نباشد بلکه مورد نفرت باشد، رشته‌های قوی‌تری برای اسارت انسان به‌شمار می‌رود و بیش از تعلقات قلبی آدمی را زبون می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۷ ط، ص ۲۲۷).

بنابراین، هرچه انسان نیازهای خودش را کاهش دهد و ساده‌تر زندگی کند و ساده‌تر لباس بپوشد، خود را از قید و بندها آزادتر کرده، تحرک بیشتر و پیشرفت بیشتری خواهد داشت (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۹۲).

۵. داشتن روح اجتماعی

اسلام می‌خواهد جامعه اسلامی مستقل، زنده، نیرومند و برتر از دیگران باشد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۹)؛ و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. برای اینکه جامعه اسلامی زنده بماند، قرآن کریم در آیات متعددی به مؤمنان دستور می‌دهد که ولاء یکدیگر را داشته باشند؛ «ولاء» به معنای اتصال و نزدیکی است و مقصود این است که مؤمنان باید روح‌ها و روابط

اجتماعی‌شان به یکدیگر نزدیک باشد (مطهری، ۱۳۸۷ الف، ج ۳، ص ۱۸۲). ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه: ۷۱)؛ و مردان و زنان باایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وامی‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آن‌اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است. بدون شک، در جامعه زنده، همکاری و همدردی وجود دارد. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «حکایت مؤمنان در دوستی و مهربانی‌شان همچون اعضای تن است؛ وقتی یکی‌شان رنجور شود، دیگران به مراقبت و رعایت او هم‌داستان شوند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۸، ص ۱۵۰).

افراد جامعه، تا حدی که ممکن است باید هم‌سطح و شبیه یکدیگر زندگی کنند (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۸۷). در جامعه‌ای که اختلاف زیاد باشد - یک عده، مرفه و دارای زندگی تجملاتی و عده‌ای دیگر، محروم و در حسرت زندگی آنها - همبستگی و وحدت وجود نخواهد داشت و از آنجاکه سرنوشت و سعادت فرد از سعادت جامعه جدا نیست و انسان ذاتاً احساس وابستگی عاطفی نسبت به جامعه دارد (مطهری، ۱۳۸۷ ط، ص ۲۱۵)، اسلام علاوه بر دستور به ایجاد عدالت در جامعه و همچنین دستور به انفاق برای رسیدن به جامعه متعادل، توصیه‌هایی به منظور ایجاد روح همدلی و همبستگی در جامعه اسلامی دارد:

الف. ایثار: اگر در جامعه فقیر و مستمندی وجود داشته باشد که محتاج ضروریات زندگی‌اش است، اخلاق عالی اسلامی حکم می‌کند که انسان از لباس خوب و فاخر چشم‌پوشد و ایثار کند. قلب انسان مؤمن حساس و

وجود ندارد. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر امروز می بینید من لباس عالی می پوشم و پیغمبر و علی نمی پوشیدند، زمان آنها با زمان من فرق داشت، سطح زندگی مردم امروز با مردم آن زمان هم فرق می کند (کلینی، ۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۵-۷۱). امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به عاصم بن زیاد که جامه زهد پوشیده و بر خود تنگ گرفته بود، به تندی فرمودند: ای ستمگرک بر خود! آیا گمان کردی خداوند که نعمت های پاکیزه دنیا را خلق کرده، آنها را بر تو حرام نموده است و اگر از آنها استفاده کنی از تو مؤاخذه خواهد کرد که چرا نعمت حلال مرا خوردی؟ تو کوچک تر از آن هستی. عاصم در جواب عتاب های حضرت گفت: من به تو اقتدا کرده ام؛ لباس من از تو ژنده تر نیست و غذای من هم از تو بدتر نیست. حضرت فرمود: من رهبرم و خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیارند و به طغیان و اندارند (نهج البلاغه، ۴۱۴ق، ص ۳۲۵). بنابراین، لباس ساده پوشیدن و سخت گرفتن بر خود برای همدردی با اجتماع، با توجه به تفاوت موقعیت زمانی و اجتماعی افراد متفاوت است (مطهری، ۱۳۸۷ج، ص ۱۱۹-۱۲۱).

ج. لباس واحد و هم رنگ: تأثیر لباس در روحیه را نمی توان انکار کرد. شهید مطهری در این زمینه می گوید:

انسان لباسی پوشیده باشد که از لباس همه مردم بالاتر یا پایین تر باشد در روحش اثر دارد. بالا و پایین داشتن مجلس در روحیه مؤثر است؛ لهذا پیغمبر گرد می نشست و دستور می داد گرد بنشینند. مساوات در لباس، مساوات در روح ایجاد می کند، به شرط آنکه به صورت الغاء تشریفات باشد؛ مثل لباس احرام... چقدر فاصله ها را همین تشریفات لباسی و نشانه ها به وجود آورده است (مطهری، ۱۳۸۷و، ص ۸۹).

رئوف است؛ زمانی خوب می پوشد که انسان نیازمندی نباشد (مطهری، ۱۳۸۷ط، ص ۲۱۹). همان گونه که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام لباس نویی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای عروسی ایشان تهیه کرده بودند، به سائل دادند و خود لباس کهنه پوشیدند یا در دوره اهل صفه، پیامبر صلی الله علیه و آله دستبند نقره و پرده الوان را برای حضرت زهرا علیها السلام نپسندیدند (مطهری، ۱۳۸۷ح، ص ۱۰۱). ایثار و از خودگذشتگی، علاوه بر اینکه، اجتماع اسلامی را زنده نگه می دارد، راه شکوفا شدن فطرت اخلاقی انسان و مقدمه ای برای رسیدن انسان به کمال مطلق به شمار می رود. البته باید در ایثار و انفاق هم اعتدال را رعایت کرد. قرآن کریم می فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷)؛ و کسانی اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند.

ب. همدردی: اگر در جامعه ای وضع اقتصادی عموم مردم خوب نباشد و با انفاق و ایثار نتوان اوضاع مستمندان را بهبود داد، افراد ثروتمند و بخصوص رهبران و پیشوایان اجتماع، باید برای تسکین درد آنها و همروحي با ایشان، در سطح آنها زندگی کنند و از پوشیدن لباس فاخر که نمایان کننده زندگی مرفه است و در روحیه افراد فقیر حسرت و کینه ایجاد می کند، پرهیز کنند (مطهری، ۱۳۸۷ط، ص ۸۷). اما در صورتی که وضع عموم مردم خوب باشد، دلیلی وجود ندارد که انسان از نعمت های الهی بهترین بهره را در راستای رضایت او نبرد. امام صادق علیه السلام به جمعی از معترضان خود که می گفتند چرا لباس فاخر و زیبا پوشیده اید، فرمودند: از نظر اسلام، لباس فاخر پوشیدن گناه نیست و نعمت های خدا برای استفاده بشر خلق شده است؛ اگر در جامعه ای وضع عموم مردم خوب است، دلیلی برای چشم پوشی از لباس خوب

۸. منع تشبیه زن و مرد در لباس

شهید مطهری، کوشش زنان برای مردنمایی و بعکس، کوشش مردان برای زن‌نمایی را یکی از هوس‌های احمقانه، کودکانه و زودگذر بشر در عصر حاضر می‌داند؛ چراکه امری خلاف خلقت و فطرت است (مطهری، ۱۳۸۷ الف، ج ۴، ص ۹۶-۹۷). در اسلام، از اینکه مردان بخواهند به سبک زنان لباس بپوشند و به صورت آنها زندگی کنند و یا زنان بخواهند ژست مردانه بگیرند و لباس مختص آنها را بپوشند، نهی شده‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله مردان را از پوشیدن لباس زنان و زنان را از پوشیدن لباس مردان نهی می‌کرد» (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۱۸).

۹. منع اسراف

از نظر شهید مطهری، انسان به خاطر قدرت انتخاب و داشتن استعداد ابتکار و خلاقیت، تنوع‌طلب و نوخواه است (مطهری، ۱۳۸۷ ب، ج ۱، ص ۲۵). از نظر وی، انسان در این دنیا خواهان تنوع و تجدد است و از یکنواختی خسته می‌شود. تنوع و تجدد نشاط‌آور و موجب انبساط و شگفتی‌خاطر است و کدورت را از خاطر انسان می‌زداید (مطهری، ۱۳۸۷ د، ص ۲۰۳-۲۰۴). ولی انسان تا چه حد مجاز است این حس را اشباع کند؟ نداشتن استقلال فکری و تقلید کورکورانه از مُد و مُدپرستی برای ارضای این حس جایز نیست؛ آنچه معمولاً باعث اسراف و تزییع اموال انسان و حتی باعث تزییع حقوق دیگران می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُتَسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)؛ او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد. البته این نکته نیز قابل توجه است که استفاده نادرست از لباس نیز اسراف به‌شمار می‌آید. گو اینکه در اختیار داشتن چند پیراهن به‌صورت هم‌زمان و استفاده درست از آنها اسراف نیست (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۹۸).

به اعتقاد شهید مطهری، هم‌شکلی و هم‌رنگی، همدلی و همبستگی ایجاد می‌کند (همان، ص ۱۲۵). بنابراین، اصل این کار که در مدارس و برخی مجالس از لباس فرم و یک شکل استفاده شود این مزیت را به همراه خواهد داشت.

۶. عزت نفس و دوری از تکبر

فرد مسلمان باید به سبکی لباس بپوشد که نه علامت تکبر و فخرفروشی باشد، نه علامت پستی و حقارت، بلکه علامت عزت و کرامت او باشد. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «هرکس لباس فاخر بپوشد، به تکبر گراید و متکبر در آتش دوزخ است» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۹۴ و ۱۹۵).

از سوی دیگر، اسلام به عزت و کرامت نفس انسان مؤمن اهمیت ویژه‌ای داده است؛ مؤمن حق ندارد به گونه‌ای لباس بپوشد که تحقیر شود و مورد تمسخر قرار گیرد؛ تواضع و فروتنی با حقارت و پستی نباید اشتباه شود (مطهری، ۱۳۸۸ ب، ص ۲۰۱-۲۰۳).

۷. منع پوشیدن لباس شهرت

پوشیدن هر نوع لباسی که انسان را انگشت‌نما کند مصداق لباس شهرت است و پوشیدن لباس شهرت از نظر اسلام حرام است (مطهری، ۱۳۸۷ ی، ص ۱۱۷). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خدا لباس شهرت را دشمن دارد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۶، ص ۴۴۵). نیز از امام حسین علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «هرکس لباس شهرت بپوشد، خدا روز قیامت لباسی از آتش بر او بپوشاند. لباس اهل زهد پوشیدن و خود را در زی زاهدان نشان دادن هم پسندیده اسلام نیست» (همان).

۱۰. رعایت نظافت و نظم

را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پسرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان و قوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا تسویه کنید، امید که رستگار شوید.

اسلام به تمیزی و نظافت لباس اهمیت زیادی داده است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَيَبَاكُ فَطَهَّرْ﴾ (مدثر: ۴)؛ و لباس خویشتن را پاک کن. رسول خدا ﷺ فرمودند: «لباس سفید از هر لباسی برای شما بهتر است، پس آن را بپوشید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۴۵). چه بسا حکمت توصیه به پوشیدن لباس سفید، زیبایی و پاکیزگی آن باشد؛ زیرا لباس سفید چرک را بهتر نمایان می‌سازد (مطهری، ۱۳۸۷ق، ص ۳۹). به هر حال، شکی نیست که لباس تمیز، اتوکشیده و مرتب، حتی اگر ساده باشد، زیباست.

۱۱. پوشش بانوان در مقابل نامحرم

در این آیه شریفه، دو استثنا برای پوشش زن ذکر شده است. یک استثنا به استنباط اکثر فقها، پوشش وجه و کفین در مقابل عموم افراد است و استثنای دوم، پوشش کمتر در مقابل افرادی است که در این آیه شریفه ذکر شده است. بنابراین، زن باید در مقابل دیگران خود را بپوشاند و فقط مجاز به نپوشاندن وجه و کفین است، و در مقابل محارم غیر شوهر، پوشش کمتری لازم شمرده شده است که حدود آن را مراجع عظام تقلید بیان کرده‌اند.

آیه ۳۱ سوره «نور»، آیه پوشش است و فقها با توجه به این آیه و روایات رسیده در این زمینه، حدود پوشش زن را استنباط کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۷ق، ص ۱۷۲). آیه شریفه می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْضُنْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يَخْفَيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور: ۳۱)؛ و به زنان باایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاک‌دامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که [طبعاً] از آن پیدااست. و باید روسری خود

از نظر شهید مطهری، تکیه آیه مذکور، روی پوشیدن سبک خاصی از لباس در مقابل نامحرم نیست و روسری (خمر) که در آیه ذکر شده خصوصیتی ندارد، بلکه مقصود پوشیدن سر و گردن و گریبان است (مطهری، ۱۳۸۷ق، ص ۱۳۹). البته اسلام علاوه بر تعیین حدود پوشش، زن را از پوشیدن لباس‌های بدن‌نما که تحریک‌کننده و مهیج است، منع کرده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هلاکت امت من در دو چیز سرخ‌فام است: طلا و لباس نازک (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲). شهید مطهری می‌فرماید:

آیا لباس‌هایی که نازک‌کاری‌ها و برجستگی‌های بدن را نشان می‌دهد جز برای تهییج مردان و برای

از نظر شهید مطهری، روح مسئله پوشش، محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع است (مطهری، ۱۳۸۷ل، ص ۷۵-۷۶). وی معتقد است: به‌خاطر نیرومندی عجیب این غریزه آتشین، اسلام به منظورهای زیر، دستور به پوشش و عفاف داده است:

الف. آرامش روحی افراد اجتماع: یکی از تدابیر اسلام برای رام کردن و تعدیل غریزه جنسی، دستور پوشش به زنان و منع هرگونه جلوه‌گری و دلربایی به هر شکل و بهانه‌ای است. بشر در ناحیه جنسی از هیچ هوسی سیر نمی‌شود. اگر این غریزه سرکش تحریک شود، عطش روحی و درخواست نامحدود آن که خواه‌ناخواه انجام‌نشده‌ای است، سبب عقده‌ها و بیماری‌های روانی و جنایت‌ها می‌شود (همان، ص ۷۷-۸۱).

ب. برقراری صمیمیت میان زوجین: ازجمله تدابیری که اسلام برای ایجاد عشق و صمیمیت بین زوجین اندیشیده است، دستور پوشش و محدودیت کامیابی جنسی به محیط خانوادگی است. اگر اصل پوشش و عفاف در اجتماع رعایت شود، زمینه وحدت روحی زوجین و عواطف صمیمانه بین آنها فراهم می‌شود و «حتی در دوران پیری که شهوت خاموش است و قادر نیست زوجین را به یکدیگر پیوند دهد، آن عاطفه صمیمانه سخت آنها را به یکدیگر می‌پیوندد.» شاهد این مدعا این است که در محیط‌های اسلامی برخلاف محیط‌های امروز اروپا، این‌گونه مهر و صمیمیت‌ها زیاد وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۸الف، ص ۱۰۲؛ همو، ۱۳۸۷ل، ص ۸۱-۸۴).

ج. حفظ نیروی کار و فعالیت اجتماعی: یکی دیگر از فلسفه‌های پوشش و آلوده نکردن اجتماع به لذت‌جویی‌های شهوانی، حفظ نیروی کار و فعالیت اجتماع است. زنی که تمام نیرویش را صرف خودآرایی و خودنمایی کند، چگونه می‌تواند فعال و کارآمد باشد؟ و

صیادی است؟ عملاً غالب خانم‌هایی که از این نوع کفش‌ها [کفش‌های پاشنه‌بلند] و لباس‌ها و آرایش‌ها استفاده می‌کنند، تنها مردی را که در نظر نمی‌گیرند شوهران خودشان است. زن می‌تواند در میان زنان و در میان محارم خود از هر نوع لباس و آرایشی استفاده کند، اما متأسفانه تقلید از زنان غربی برای هدف و منظور دیگری است. غریزه خودآرایی و شکارچی‌گری در زن، غریزه عجیبی است. وای اگر مردان هم به آن دامن بزنند و مدسازان و طراحان نواقص کار آنان را برطرف کنند و مصلحین اجتماع! هم تشویق کنند (مطهری، ۱۳۸۷ل، ص ۱۰۰).

از نظر وی، گرچه چادر موضوعیتی ندارد، ولی این پوشش برتر، دو مزیت دارد:

یکی اینکه لباسی سرتاسری است و حجم بدن زن را می‌پوشاند و برجستگی‌های بدن را نمایان نمی‌کند، و از این جهت مسلماً دورکننده فتنه است. مزیت دوم این است که در حال حاضر رمز حشمت و دورباش زن به‌شمار می‌رود (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۶۸)؛ یعنی چادر پوشیدن یک عمل معنادار است، البته چادری که صرفاً جنبه تشریفاتی و اسمی نداشته باشد نشانه عفاف، حفاظ و دورباش است (مطهری، ۱۳۸۷ل، ص ۱۶۰-۱۶۱).

فلسفه پوشش زن

از منظر شهید مطهری، توجه اسلام به قوت و نیرومندی غریزه جنسی بشر نقش مهمی در دستور خاص به پوشش بانوان داشته است. تمایل جنسی، جنون‌آمیزترین، قوی‌ترین و غیرقابل مقاومت‌ترین تمایل بشر است. هیچ غریزه‌ای به اندازه این غریزه ضد عقل نیست؛ شاهد این مدعا این است که در مورد هیچ غریزه‌ای غزل و عشق با این همه نیازها و از خودگذشتگی وجود ندارد (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۷۵).

دورانت می‌گوید: اگر زن به حالت ابتذال درآید، دیگر قوه خیال مرد زمینه برای فعالیت پیدا نمی‌کند و با قلم خود زن را الهه جمال نمی‌سازد؛ اگر مرد قوه خیال نداشته باشد، شاید زن‌ها هم زیبا نباشند. علاوه بر این، پوشش و عفاف زن و در نتیجه، حشمت و دورباش او باعث حفظ کرامت و احترامش و مانع مزاحمت افراد سبک‌سرو فاقد اخلاق می‌شود (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۸۶-۸۷؛ همو، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۷۴).

نتیجه‌گیری

اسلام با دستور به پوشش، به انسان کرامت بخشیده و با اینکه روی الگو و شکل خاصی از پوشش دست نگذاشته، با تعیین معیارهایی، سبک پوشش اسلامی را مشخص کرده است. اسلام به ذوق زیبایی دوستی بشر توجه کرده و مطابق با فطرت انسان، زیبایی را یکی از معیارهای پوشش قرار داده است. البته برای حفظ تعادل در این زمینه، از یک طرف، تجمل‌پرستی، مدگرایی، اسراف، پوشیدن لباس شهرت، و تشبّه به جنس مخالف را منع کرده و سادگی را برای ایثار، همدردی با تهیدستان و رسیدن به آزادی و رهایی از تکلف توصیه کرده است؛ و از سوی دیگر، از پوشیدن سبکی از لباس که موجب حقارت انسان شود یا برای تظاهر به زهد باشد منع کرده است. یکی دیگر از معیارهای پوشش، تعظیم سبک لباس مسلمانان و منع تقلید از سبک پوشش بیگانگان و تشبّه به آنان است. فلسفه این دستور اسلام، حفظ استقلال و نیرومندی و برتری جامعه اسلامی است. اسلام دستور خاص برای پوشش بانوان در مقابل نامحرم وضع کرده است و براساس آن، زنان باید علاوه بر پوشش کامل به استثنای وجه و کفین، و رعایت سایر ملاک‌های پوشش اسلامی، از پوشیدن لباس‌های مهیج و تحریک‌کننده بپرهیزند. فلسفه این دستور، توجه اسلام به نیرومندی

مردی که مدام با قیافه‌های مهیج و محرک روبه‌رو باشد، چگونه می‌تواند سرگرم کار و فعالیت شود؟ (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۸۴-۸۶). شهید مطهری معتقد است: فساد اخلاق، عامل فنا و نابودی جامعه است. یکی از نقشه‌های غرب برای استعمار ملل مسلمان، فاسد کردن اخلاق آنهاست. استعمار با ترویج بی‌حجابی، ارائه مدهای محرک و مهیج و ترفندهای دیگر، زمینه را برای فحشا فراهم می‌کند و بدین وسیله، اراده، روح جوان‌مردی و سلحشوری آنها را میرانده و فکرشان را فاسد می‌کند (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۱۴-۳۱۸). ایشان یکی از درس‌های تاریخ اندلس را، که زمانی مرکز تمدن اسلامی بوده و تمدن غرب مدیون آن است، این‌گونه بیان می‌کند: نقشه‌ای که مسیحیان برای تصرف اندلس و بیرون کشیدن آن از دست مسلمین کشیدند این بود که به صورت دوستی و خدمت، وسایل عیاشی برای آنها فراهم کردند: باغ‌ها و بوستان‌ها وقف ساختن شراب و نوشانیدن مسلمین شد. دختران زیبا و طسناز در خسیابان‌ها به دلربایی و عاشق‌سازی پرداختند. سرگرمی‌های شهوانی از هر جهت فراهم شد و روح ایمان و جوان‌مردی مرد. پس از این جریان بود که توانستند مسلمانان را بی‌درنگ از دم تیغ بگذرانند. استعمار غرب نیز این برنامه را در قرون اخیر به صورت دقیق‌تری در کشورهای اسلامی اجرا کرد (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۸-۴۹).

د. بالا بردن ارزش زن: زن از نظر قدرت جسمانی، توان مقابله با مرد را ندارد و شاید از نظر مغز و فکر نیز توان مقابله با او را نداشته باشد، ولی از نظر قلب و عاطفی برتری خود را بر مرد ثابت کرده است. بر این اساس، بهترین وسیله برای زن به منظور حفظ این قدرت، پوشش و عفاف است. شهید مطهری به نقل از راسل و ویل

- ، ۱۳۸۷ج، *امدادهای غیبی در زندگی بشر* (خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند)، چ بیست و یکم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۸ج، *فطرت*، چ بیستم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ح، *سیری در سیره نبوی*، چ چهل و هفتم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷د، *بیست گفتار*، چ بیست و هفتم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ز، *حماسه حسینی*، چ پنجاه و هشتم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ط، *سیری در نهج البلاغه*، چ سی و نهم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ک، *فلسفه اخلاق*، چ سی ام، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ل، *مسئله حجاب*، چ هفتاد و پنجم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۵، *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷م، *وحی و نبوت*، چ بیست و ششم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷و، *حج*، چ پنجم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷هـ، *پانزده گفتار*، چ هشتم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۹۱، *هدف زندگی*، چ پانزدهم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ی، *ده گفتار*، چ بیست و پنجم، تهران، صدرا.

غریزه جنسی است. روح دستور پوشش در اسلام، محدودیت استماعات جنسی به محیط خانوادگی است تا از این طریق، این غریزه آتشین رام و تعدیل شود و افراد اجتماع از آرامش روحی برخوردار باشند، صمیمیت و همروحي بین زوجین برقرار شود و نیروی فعالیت اجتماع به هدر نرود و در ضمن، پوشش زن وسیله‌ای برای حفظ قدرت عاطفی او در تقابل با قدرت جسمانی و فکری مرد باشد. امید است مسلمانان در مسیر پیشرفت تمدنشان به سبک پوشش اسلامی توجه ویژه کرده، جامعه‌ای نیرومند و برتر مورد نظر اسلام را داشته باشند. روشن است که باید در این مسیر تلاش‌های بسیاری صورت پذیرد و توصیه‌های مقام معظم رهبری در زمینه سبک زندگی اسلامی سرلوحه برنامه‌های مسئولان و البته سایر مردم قرار گیرد.

منابع

- نهج البلاغه*، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۱۲ق، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، *مکارم الاخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹، *آشنایی با قرآن*، چ هفتم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۶، *احیای تفکر اسلامی*، چ بیست و پنجم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷الف، *آشنایی با قرآن*، چ بیست و چهارم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۸الف، *اخلاق جنسی*، چ بیست و ششم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۷ب، *اسلام و نیازهای زمان*، چ بیست و هشتم، تهران، صدرا.
- ، ۱۳۸۸ب، *انسان کامل*، چ چهل و سوم، تهران، صدرا.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی